



خلاصه پالیسی

همه در موقف شرقی خود، خونسرد هستند
رابطه متحول ایران با افغانستان در حال گذار

تیمور شاران، اندریو واتکنیز

برنامه‌ی خروج نظامی امریکا باعث ایجاد عدم اطمینان قابل توجهی در مورد ثبات و امنیت افغانستان و همچنان حضور و تعامل جامعه جهانی در منطقه شده است. در وضعیت پس از خروج نظامی امریکا، کدام شرایط برای انکشاف و همکاری‌های امنیتی میان کابل، تهران و کشورهای اروپایی پیش‌بینی شده بود؟ انتظار، موقف و اهرم فشار ایران در افغانستان چیست؟ در کدام ساحه‌ها همکاری‌های سه‌جانبه ممکن است و در کدام ساحه‌ها احتمال بدست آوردن اهداف مشترک وجود دارد.

ایران و افغانستان: وضعیت

پنهانی و آشکار، به نظر می‌رسد موقف تهران با توجه به آنچه ممکن است تلاش برای نامید کردن ایالات متحده را به حداکثر برساند، تغییر می‌کند.^۱ در پاسخ به خروج برنامه ریزی شده نظامی ایالات متحده آمریکا، ایران ممکن است راهبرد بلند پروازانه‌تر افغانستان را دنبال کند. با ادامه دلبستگی به کابل، ایران می‌تواند همزمان از قدرت نرم خود از چندین بازیگر مختلف افغانی استفاده کند و حتی با افزایش حمایت از گروه‌های مسلح محلی بطور بالقوه تعادل سیاسی شکننده کشور را از بین ببرد.

قدرت نفوذ متنوع ایران در افغانستان

از سال ۲۰۰۱ م، ایران نفوذ خود را در میان ذی‌نفعان مختلف افغانستان حفظ کرده و گسترش داده است که اکثر این ذی‌نفعان کنترل بخش‌های راهبردی دولت و نهادهای امنیتی را در دست دارند. در جریان حمله شوروی سابق به افغانستان، ایران از جناح‌های شیعه مبارزان مقاومت مجاهدان پشتیبانی کرد، یکی از بخش‌ها تلاش برای بیرون راندن شوروی‌ها بود. ایران با ارایه کمک‌های خود همچنان تلاش می‌کند تا تسلط یک "دولت تبعید شده" منحصراً سنی نشین در پاکستان را که مورد حمایت دشمنانش قرار دارد، متعادل کند: کشور میزبان، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا. در جریان جنگ داخلی دهه ۱۹۹۰ م، ایران از دولت ربانی حمایت کرد که این دولت در قدم نخست تحت سلطه‌ی قوم تاجیک بود. پس از فروپاشی دولت در سال ۱۹۹۶ و رویا رویی با یک رژیم خصمانه طالبان، ایران ایجاد ائتلاف ضد طالبان (که اغلب به آن اتحاد شمال گفته می‌شود)^۵ را

افغانستان یکی از مهمترین همسایه‌های کشور ایران بشمار می‌رود، نه تنها بخاطر داشتن مرز طولانی مشترک و روابط فرهنگی، مشترکات تاریخی و زبانی؛ بلکه بدلیل داشتن موقعیت جیوپولیتیک و داد و ستد های اقتصادی^۱. از زمان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ م در ایران، رویکرد ایران نسبت به افغانستان بسیار محافظه کارانه‌تر از روابط خارجی آن به سمت غرب بوده است. حتی اکثراً این رابطه بدلیل رابطه خصمانه با امریکا و تاحدی حتی در زمان حمله شوروی سابق به افغانستان، تحت تأثیر قرار گرفته است. پس از قتل ده دیپلمات در سال ۱۹۹۸ م در شمال، ولایت مزار شریف، تهران بحرانی را که تقریباً به جنگ با طالبان منجر شود و سپس در کابل حکومت می‌کرد، کاهش داد. اندکی پس از آن، ایران در ابتدا برای مداخله نظامی ناتو در سال ۲۰۰۱ پشتیبانی خود را اعلام کرد. با این حال، در سالهای بعد، برخوردهای لفظی و پنهانی واشنگتن با ایران گام‌های اولیه آنچه ممکن است "تنظیم مجدد"^۲ راهبردی باشد را به وخامت کشاند.

طی دو دهه گذشته، ایران از یک راهبرد عمل گرایانه سرد نسبت به افغانستان پیروی کرده است، این راهبرد چند وجهی و اغلب به ظاهر متناقض بوده است.^۳ به گفته‌ی یکی از مفسران، این سیاست (خطرناک) "راهبرد محافظه کارانه" شامل پشتیبانی از ثبات سیاسی در کابل است، در حالیکه روابط خود را با طالبان گسترش می‌دهد، حتی جنگ‌جویان طالب را مسلح می‌کند، تا اقدامات ضد شورش آمریکا را بطور ماهرانه ناکام جلوه دهد. اخیراً، ایران در پیام‌رسانی خود درباره روند صلح افغانستان دفاع از حاکمیت کابل را آغاز کرده است: از طریق سازش و رویارویی

۱ پروژه "از عدم قطعیت تا استراتژی: احتمالات سناریوهای برد-برنده در منطقه افغانستان چیست؟" این یک تلاش مستقل بنیاد فریدریش ایبرت است، تا پیرامون سناریوهای احتمالی برای همسایه گان افغانستان، تعدیل پالیسی ها و نیازمندی به یک استراتژی جامع در بین پالیسی سازان خارجی اروپا، بحث صورت گیرد. این خلاصه پالیسی بخشی از یک پالیسی است که توسط اندریو وانکینز و دکتر تیمور شاران تألیف شده است، تا درباره پیامدهای خروج امریکا و مذاکرات صلح افغانستان با ابراهای <https://afghanistan.fes.de/publications>. پالیسی موجود، منافع استراتژیک و چالش های شریکان اصلی در داخل و خارج افغانستان، بحث صورت گیرد. لیست کاملی از این خلاصه پالیسی ها را می توانید، در آدرس ذیل به دسترس داشته باشید.

۲ پس از حادثه ۱۱ سپتمبر، روابط تهران و واشنگتن گرم تر شد، ایران در کنفرانس بن سال ۲۰۰۱ نقش سازنده ای ایفا کرد و از حملات نظامی ایالات متحده علیه طالبان پشتیبانی کرد.

۳ برای معلومات بیشتر به کتاب بروس کوپکه نویسنده "راهکار ایران در قبال افغانستان"، (۲۰۱۳): تکامل عمل‌گرایی راهبردی، "موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم" مراجعه کنید، سپتمبر ۲۰۱۳.

۴ میثم بهراوش، (۲۰۱۹)، "ایران در افغانستان چه می‌خواهد؟"، الجزیره، ۴ فیبروری ۲۰۱۹.

۵ در ماه اگست سال ۱۹۹۸ م، طالبان بعد از تصرف مزار شریف، ۸ تن دیپلمات و ۱ خبرنگار ایرانی را در قونسلگری این کشور بقتل رساندند.



سابقه ایران با همسایه شرقی اش به سوی تدبیر. با این حال، سیاست این کشور در مجموع قاطعانه تر شده و یک افغانستان پس از آمریکا ممکن است، خلی قدرت بیش از حد فریبنده ای را به وجود آورد.



این تشکیلات که اکنون به گروه فاطمیون معروف است، اخیراً توسط وزیر خارجه ایران برای حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان پیشنهاد شده است. این پیشنهاد بسیاری از افغان‌های را که نگران تأثیر چنین ترتیبی بر حاکمیت و محیط امنیتی بودند، نگران و آزرده خاطر ساخت. در صورت وخیم تر شدن وضعیت افغانستان مشخص نیست که آیا ایران می‌خواهد این جنگ‌جویان را مستقر کند، یا آنها را توانمند سازند، یا خیر و اگر چنین است، چگونه و با چه هدفی. سابقه ایران با همسایه شرقی خود اغلب به سمت محافظه‌کاری گرایش دارد. با این حال، سیاست خارجی آن به طور کلی قاطعانه تر رشد کرده است و یک افغانستان پس از آمریکا ممکن است خلا قدرت را بیش از حد وسوسه انگیز ایجاد کند.

انتظار و موضع ایران در مورد روند صلح افغانستان

ایران از نزدیک مذاکرات صلح افغانستان را تماشا می‌کند و تلاش می‌کند تا تأثیرات و نتایج بالقوه این پروسه را بر وضعیت منطقه‌ای خود کاهش دهد. ایران برای تعامل با روند صلح افغانستان هر آنچه در توان دارد را انجام داده است. تهران علی‌رغم اینکه توسط ایالات متحده تا حد زیادی از روند صلح افغانستان کنار زده شده است، با رهبران دوحه و کویته طالبان تماس برقرار کرده است و میزبان هیات‌های طالبان بوده است. اما برخلاف برخی دیگر از کشورهای منطقه، به نظر نمی‌رسد که رویکرد ایران در قبال افغانستان در نتیجه مذاکرات (و قدرت مسلط آینده در کابل) باشد. تهران به طور مداوم عمل‌گرایی عمیق و سهولت در نوسان

تسهیل و کمک کرد. بر خلاف پیش از سال ۲۰۰۱، تهران روابط خود با طالبان را به عنوان عنصری دیگر از قدرت نفوذ راهبردی خود برای تضعیف منافع آمریکا، حفظ نفوذ در سیاست افغانستان و به حداقل رساندن خطرات موقعیت منطقه‌ای خود تلقی می‌کند. ایران به طور مخفیانه به عناصر درون طالبان، به ویژه عناصر مستقر در غرب افغانستان کمک می‌کرد. ملا اختر منصور^۱، جانشین ملا عمر، در ماه مه ۲۰۱۶ از سفر به ایران بازگشت، زمانیکه در یک حمله هوایی بدون سرنشین در بلوچستان، نزدیک به مرز پاکستان با ایران کشته شد.

در سه سال گذشته، ایران به طور عمومی چنین تماس‌هایی را پذیرفته و حتی اخیراً طالبان را برای گفت‌گو در تهران در جنوری ۲۰۲۱ م^۲، میزبانی کرده است. با این حال، مقامات ایرانی استدلال می‌کنند که این سیاست ناشی از تهدیدهای دولت اسلامی و کمک به روند صلح افغانستان است.^۳

ایران قدرت نرم قابل توجهی در افغانستان اعمال می‌کند. این کشور از سال ۲۰۰۱ م بیش از نیم میلیارد دلار در قبال بازسازی افغانستان تعهد کرده و در کنفرانس جنیو در نوامبر ۲۰۲۰ م شرکت کرده بود. مقامات ایرانی معتقدند که می‌تواند کمک بیشتری کنند، اما تحریم‌های ایالات متحده آمریکا مانع کمک‌های سخاوتمندانه‌تر آن شده است. با پیشی گرفتن از پاکستان، در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۸، ایران بزرگترین شریک تجاری افغانستان شد و با وجود تحریم‌ها^۴، حدود دو میلیارد دلار (۲۲ درصد از سهم بازار مصرف افغانستان) را صادر کرد. ایران برای تحکیم نفوذ راهبردی اقتصادی خود، در برخی از پروژه‌های اساسی زیربنایی تجاری و ترانزیتی در غرب افغانستان سرمایه‌گذاری کرده است. خط آهن خوف-هرات که اخیراً تکمیل شده است و بندر چابهار، مسیرهای تجاری سریع‌تر تجاری و امکان اتصال منطقه‌ای و دسترسی به بازارهای آسیای میانه^۵ را به ایران فراهم می‌سازد.

تهران به طور مداوم از پناهندگان رسمی ثبت شده افغان به عنوان ابزار فشار سیاسی، سیاست خارجی اضافی برای حفظ منافع خود در افغانستان - یا حتی به سادگی در درگیری با ایالات متحده استفاده کرده است.^۶ طبق برآوردهای رسمی از سال ۲۰۱۴ م تا اوایل سال ۲۰۲۰ م، حدود ۳,۵ میلیون افغان در ایران زندگی می‌کردند - از این تعداد، فقط بیش از ۹۵۰ هزار پناهنده افغان ثبت شده و ۲,۵ میلیون تن نیز کارگر مهاجر فاقد اسناد بودند^۷. بسیاری از پناهندگان ثبت شده، شهروندان درجه دوم و سوم استند که دسترسی محدودی به بهداشت، تحصیلات و شغل دارند. در ماه مه ۲۰۱۹ م، معاون وزیر امور خارجه ایران هشدار داد که اگر ایالات متحده به اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران ادامه دهد^۸، ایران اخراج پناهندگان افغان را بررسی خواهد کرد.

سرانجام، عامل دیگری بر نفوذ ایران در این کشور سنگینی می‌کند، که عمیقاً بسیاری از افغانها را نگران می‌کند. از سال ۲۰۱۵ م، ایران پناهندگان شیعه افغان را برای پیوستن به نبرد داعش در سوریه در تشکل‌های شبه نظامی جذب کرد و به جوانان افغان نوید راهی برای شناخت قانونی و اجتماعی در ایران را داد^۹.

۶ یوچی درین، "تیم‌های ویژه ایران با طالبان جهت مبارزه با گروه داعش موسوم به "دولت اسلامی"، راهکار خارجی، ۲۶ می ۲۰۱۶ م.

۷ ایاز گل، (۲۰۱۶)، "ایران جهت تبادل نظر در مورد پروسه صلح افغانستان به پشتیبانی ایالات متحده آمریکا، از طالبان میزبانی می‌کند"، صدای آمریکا، ۲۶ جنوری ۲۰۲۱ م.

۸ متن مصاحبه: طلوع نیوز با جاوید ظریف وزیر امور خارجه ایران، ۲۱ دسامبر ۲۰۲۰ م.

۹ صادرات عمده را برق، مواد ساختمانی، مواد غذایی و تیل تشکیل می‌داد. "ایران یکی از بزرگترین شرکای تجاری افغانستان در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸". <https://financialtribune.com/articles/economy-2018-04-08>

۱۰ در ماه می ۲۰۱۶ م، هندوستان، ایران و افغانستان یک توافق‌نامه سه جانبه را که به توافق‌نامه چابهار معروف است، نهایی کردند. افغانستان با شرکای جدید فراتر از آسیای جنوبی و مرکزی، با داشتن یک بندر کاملاً عملیاتی که به طور بالقوه تجارت ایجاد می‌کند، از مزایای آن بهره‌مند خواهد شد. گفته می‌شود از بین ۵۰۰ شرکت دارای جواز برای فعالیت در بندر چابهار ایران، ۱۶۵ شرکت آن مربوط به افغان‌هاست.

۱۱ سروان کوچی و مهدی جدلیا، (۲۰۱۹)، "ایران به دلیل تهدید اخراج پناهجویان افغان همواره مور انتقاد قرار گرفته است" صدای آمریکا، ۱۵ می ۲۰۱۹ م.

۱۲ قابل یاد آوریست، که تعداد پناه‌جویان، مهاجران و کارگران موقت بنابر معضل ویروس کووید ۱۹ طی سال گذشته، بطور چشمگیری تغییر کرده است، اما حتی روند عودت و برگشت نیز از نظر سیاسی بحث برانگیز بود و اتفاق چندین حادثه در مرز در سال ۲۰۲۰ م منجر به تیرگی روابط بین کابل و تهران گردید. <https://www.unhcr.org/ir/refugees-in-iran/>

۱۳ <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/05/iran-nuclear-deal-ultimatum-europe-afghan-refugees-drugs.html>

۱۴ توپاس شایندر، (۲۰۱۸)، جنگ‌جویان فاطمیون: جنگ‌جویان افغان در جنگ داخلی سوریه، "انستیتوت آسیای میانه، اکتوبر ۲۰۱۸ م.

روابط خود با همسایه شرقی خود را نشان داده است. فراتر از واکنش، موضوع ثابت دیگری برای هدایت سیاست ایران به نظر می‌رسد: آیا ایالات متحدهی امریکا به خروج خود ادامه داده و ارتش خود را به طور کامل از منطقه خارج می‌کند.

ایران منتقد برجسته توافق آمریکا و طالبان بوده و در غیاب دولت افغانستان و دیگر ذی‌نفعان اصلی منطقه در مذاکرات صلح، این پروسه را "ناقص" خوانده است. اگرچه تهران از مذاکرات بین‌افغانی افغانستان در دوحه استقبال کرده است، اما همچنان رویکرد آمریکا و تعهد طالبان را به روند صلح زیر سوال برده است که از عدم موفقیت این گروه در کاهش خشونت آشکار است. ایران همچنان تأکید کرده است که چگونه ایالات متحده با تعهداتی از جانب دولت افغانستان، حاکمیت این کشور را نادیده گرفته است و از آن چشم‌پوشی می‌کند. علاوه بر این، ایران تمایل خود را برای شرکت در گفت‌وگوهای آینده صلح افغانستان ابراز کرده است. تهران بار دیگر تأکید کرده است که یک روند صلح موفقیت‌آمیز مستلزم گفت‌وگوی همه‌جانبه با تمام اقلشار سیاسی جامعه افغانستان و یک روند تحت مالکیت و تملک افغان‌ها که کابل در مرکزیت آن پروسه قرار داشته باشد، می‌باشد.

ایران ادعا می‌کند که توافق ایالات متحده و طالبان توازن سیاسی قدرت را در داخل و خارج از کشور بر هم زده است، و باعث می‌شود که طالبان از یک موقف قوی‌تری کار کنند، که به گفته تهران، این می‌تواند فرصت صلح در افغانستان را به خطر مواجه سازد. گذشته از ابراز ناامیدی و در حاشیه قرار داشتن در یک پروسه و امور مهم منطقه‌ای، تهران تاکنون تأثیرات منفی محسوسی را متحمل شده است. با توجه به سابقه تهران در افزایش تعامل خود با این گروه، قبل از دستیابی به صلح توسط ایالات متحده، هشدارهای آن در مورد صعود طالبان تا حدودی پوچ است. در حقیقت، به نظر می‌رسد که ایران در صورت پیشرفت این روند و دستیابی ایالات متحده به شرایطی که برای نهایی کردن خروج خود کافی می‌داند، دستاوردهای زیادی کسب خواهد کرد. بنابراین، به نظر می‌رسد موضع ایران در قبال صلح افغانستان تأیید می‌کند که موقف آن کشور به همان اندازه مخالفت فرصت طلبانه با سیاست‌های ایالات متحده تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

از سال ۲۰۱۹ م، تمایل به دوستی رئیس‌جمهور غنی در قبال ایران با استقبال خوبی روبرو شده است - شاید بازتابی از اختلافات زیاد میان کابل و واشنگتن باشد و در نتیجه، تهران پیام‌های اصلی خود را مطابق با دستور کار کابل پیرامون روند صلح تنظیم کرده است. در تماس‌های غیر مستقیم و در پس پرده، هر دو کشور با امضای توافق‌نامه امنیتی دوجانبه با کابل در انتصاب حامیان اصلی ایرانی در موقع‌های راهبردی دولت به ایران امتیاز داده‌اند. مشخص نیست که این روابط دوستانه فقط برای ارسال پیام به ایالات متحده امریکا است، یا یک تلاش جدی

برای گسترش روابط دوجانبه بسیار فراتر از هرگونه سابقه در تاریخ پسین. تهران از سال ۲۰۰۳ م به این سو خواستار یک جدول زمانی برای خروج ناتو از افغانستان شده است. با این حال، آنها اکنون همچنان از "خروج مسئولانه" برای جلوگیری از فروپاشی ساختار سیاسی موجود افغانستان و اطمینان از به دست گرفتن کامل قدرت توسط طالبان دفاع می‌کنند. ایران همچنان بر این عقیده است که آتش بس باید پیش شرط حرکت به جلو در روند صلح باشد، موضعی که کابل نیز بر آن تأکید دارد. مقامات در مورد تلاش‌ها مبنی بر جاگزینی دولت فعلی با دولت موقت هشدار می‌دهند و تأکید می‌کنند که این امر می‌تواند منجر به خلا قانونی و سیاسی شود و از این رو به بی‌نظمی و خشونت منجر شود، اگر چه شاید باعث از هم‌پاشیدگی کامل نگردد. تهران همچنان برای حفظ دستاوردهای دهه‌های گذشته مانند حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و نقش اساسی‌تر و فعال‌تر برای سازمان ملل متحد، به عنوان مثال با حمایت از نماینده‌ی ویژه سازمان ملل متحد در روند صلح، تلاش زیادی کرده است.

علی‌رغم همه این موارد، تهران آشکارا توانایی خود را برای تأثیرگذاری بر روند صلح افغانستان و پویایی درگیری‌ها از راه‌های غیر مفید (به عنوان مثال نظرات ماه جنوری در مورد فاطمیون و میزبانی از یک هیات برجسته طالبان از سوی تهران) اعلام کرده است. این تصادف‌ها دقیقاً با دولت جدید ایالات متحده امریکا در مورد تصامیم پیوستن و نه پیوستن به توافق‌نامه دوحه همزمان است.

همه موارد فوق با طرح تهران در زمینه استفاده از سیاست‌های ایالات متحده مطابقت دارد. سایر منافع اصلی نیز تعامل عملی ایران را در افغانستان هدایت کرده‌اند. افزایش ارتباط آن با طالبان مسلماً تا حدی ناشی از تهدیدهای ارائه شده توسط دولت اسلامی از سال ۱۴/۲۰۱۵ بوده است. اگرچه به شکل پنهانی، ولی ایران قبل از آن هم روابط خویش را با گروه‌های شورشی گسترش می‌داد. نگرانی ایران مبنی بر اینکه خروج سریع نظامی امریکا ممکن است موج جدیدی از فعالیت‌های تروریستی را به وجود آورد که مهار آن دشوار است، احتمالاً واقعی است. اما وضعیت تقابل ایران در برابر ایالات متحده تنها رشته مشترک در بسیاری از مواضع پیچیده و متناقض این کشور در مورد صلح و آینده افغانستان است.

ایران و اتحادیه‌ی اروپا: دستیابی به اهداف مشترک؟

افغانستان ممکن است یک بستر سیاسی اضافی را به ایران جهت تعامل و برقراری ارتباط با جامعه بین‌المللی از جمله اتحادیه‌ی اروپا در مورد چندین منافع گسترده و هم‌گرا فراهم نماید. در حال حاضر یک رابطه کاری سازنده بین ایران و قدرت‌های اروپایی - انگلیس، فرانسه، آلمان و به طور کلی اتحادیه‌ی اروپا وجود دارد که

این رابطه برمی گردد به زمان و برنامه جامع مشترک ۲۰۱۵ (JCPoA)، معروف به توافق هسته‌ای ایران، که می‌تواند در اداره جدید رییس جمهور امریکا بایدن دوباره احیا شود. اتحادیه اروپا قبلاً گفته است که در صورت لغو تحریم‌های ایالات متحده، کنوانسیون JCPoA و به دنبال آن کنوانسیون همکاری تجاری در زمینه انرژی را پشتیبانی خواهد کرد.

با خروج نظامی امریکا و پیش بینی این که در دوره بایدن، احتمال دارد تا تحریم‌ها کاهش یا حتی لغو گردد، اتحادیه اروپا، ایران و افغانستان فرصتی عالی برای تعریف مجدد روابط خود در مورد اهداف و منافع اصلی دارند. این موارد می‌تواند شامل مبارزه با تروریسم، ادغام اقتصادی و تجاری، مهاجرت از مرزها و مدیریت قاچاق مواد مخدر باشد.

اتحادیه اروپا با توجه به مشترکات فرهنگی - زبانی، اقتصادی و سیاسی در افغانستان برای کمک به آشتی، ادغام مجدد و تلاش‌های بازسازی پس از توافق صلح می‌توانست از این ظرفیت‌ها بطور کامل و مفید آن استفاده نماید. ایران می‌تواند نقش سازنده‌ای داشته باشد در مهار و متعادل سازی برخی از اخلاک‌گرهای با لقهو سیاسی و کسانی که در داخل طالبان اختیار ابزارهای خشونت آمیز و تسلیحات را دارند.

با توجه به تحریم‌های ایالات متحده و عدم توانایی ایران در دسترسی به بازارهای جهانی، افغانستان به عنوان شریک تجاری اصلی ایران ظاهر شده است. اتحادیه اروپا و ایران می‌توانند در تسهیل همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و ادغام تجارت از نزدیک همکاری کنند. پروژه‌های اساسی زیربنایی ایران به بهترین وجهه برای این هدف مناسب هستند، اما رویکرد جامع‌تر و کلی‌تری در مورد کشورهای آسیای میانه نیاز است که اتحادیه اروپا می‌تواند در تسهیل این امر پیشگام باشد. کشور

ایتالیا در حال تکمیل کردن مرحله ۴ راه آهن است که با خط آهن خوف-هرات اتصال ایران را با آسیای میانه از طریق افغانستان فراهم خواهد کرد. ایران امیدوار است که افغانستان را در برنامه‌های خود برای صادرات سالانه ۸۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی خود به کشورهای آسیایی و اروپایی تا سال ۲۰۲۵ قرار دهد و در عین حال برنامه دارد تا صادرات غیرنفتی خویش را به افغانستان افزایش دهد. در یک وضعیت پس از جنگ، تهران می‌تواند به عنوان یک کشور سرمایه گذار در بخش آموزش، توسعه تکنیکی و مسلکی، که این سرمایه گذاری نیز شامل بخش صحت، مراقبت‌های بهداشتی و سایر بخش‌ها می‌گردد، حضور داشته باشد.

فراتر از اجندای موضوعات امنیتی، ایران در چندین جلسه منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری کرده است و نشان داده است که برای حل چالش‌های منطقه‌ای، جلسه‌های سه جانبه و چند جانبه را ترجیح می‌دهد. به عنوان مثال، ایران با هدف تقویت همکاری و گفت‌گویی سیاسی بین کشورهای منطقه، از سال ۲۰۱۱ عضو حیاتی در کنفرانس قلب آسیا / و پروسه استانبول بوده است. این کشور با پاکستان از نزدیک همکاری کرده است در راستای تطبیق راهبرد راه‌حل‌های افغانستان که توسط کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد برای کمک به بازگشت و استقرار مجدد پناهنده‌گان افغان تسهیل شده است. از آن زمان، ایران عضو گروه تماس بین‌المللی در مورد افغانستان و پاکستان است.

اتحادیه اروپا و ایران هر دو به عنوان مصرف کننده‌گان بزرگ، از قاچاق مواد مخدر رنج می‌برند. اتحادیه اروپا می‌تواند امکان تسهیل یک شیوه‌ی منطقه‌ای برای بررسی مرزها و شریک ساختن اطلاعات را برای مدیریت و جلوگیری فرامرزی تجارت و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر را در مرزهای افغانستان بررسی کند. هر دو کشور می‌توانند در جوامع اطراف مرز سرمایه گذاری کنند و مردم را به کشت محصولات جاگزین تریاک تشویق کنند.



پیشنهادات

- برای موفقیت در روند صلح که در حال جریان است، نیاز به سرمایه‌گذاری قابل توجه‌تری به اساس کارشیوه رسمی تر منطقه‌ای اتحادیه‌ی اروپا به عنوان یک کمک کننده اصلی وجود دارد. چنین چارچوبی منطقه‌ای فرصتی عالی برای تعامل مستقیم با ایران خواهد بود. از آنجایی که ایران احساس می‌کند که در روند صلح افغانستان توسط دولت پیشین ایالات متحده آمریکا در حاشیه قرار گرفته است، این روند مدتی طول می‌کشد تا دولت جدید بایستن روابط دوجانبه را گرم کند، اتحادیه‌ی اروپا می‌تواند در این فاصله زمانی این خلا را پر کند.
- در صورت عدم موفقیت در روند صلح و خروج نظامی آمریکا از افغانستان، احتمالاً رقابت و تنش در میان بازیگران منطقه‌ای شدت می‌یابد. ائتلاف ضد ایرانی که ایالات متحده با عربستان سعودی، کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل که توسط ترامپ دنبال شد، حتی اگر توسط بایستن تسهیل شود، می‌تواند پویایی منطقه را متوقف و پیچیده تر کند. اتحادیه‌ی اروپا باید از قدرت دعوت و روابط مثبت خود، به ویژه با ایالات متحده، پاکستان و هند استفاده کند تا اطمینان حاصل کند که منافع مشروع ایران رعایت می‌شود.
- اتحادیه‌ی اروپا برای حل اختلاف‌های طولانی مدت میان ایران و افغانستان، از جمله اختلاف‌های تاریخی در مورد دریای هریرود را باید از طریق میانجی‌گری حل و فصل کند. نقش اتحادیه‌ی اروپا می‌تواند حتی به شکل غیرمستقیم باشد، شاید سازمان ملل متحد را به میانجی‌گری در اختلاف‌های آبی میان افغانستان و ایران در مورد دریاهای هریرود و هریرود تشویق کند.
- بروکسل باید به تقویت ارتباط درون منطقه‌ای بین آسیای جنوبی و آسیای مرکزی از طریق افغانستان کمک کند، به طور بالقوه می‌تواند ایران را دعوت کند، تا در تلاش‌ها برای تشویق کشورهای همسایه برای آزاد سازی تعرفه‌ها و موافقت‌نامه‌های ترانزیتی شرکت کند.
- ایران باید از استفاده پنهانده‌گان افغان به عنوان نقطه فشار خودداری کند. چنین سیاستی احتمالاً منجر به افزایش احساسات منفی عمومی در افغانستان می‌شود. اتحادیه‌ی اروپا می‌تواند با ایران و سایر نهادهای سازمان ملل از جمله کمیساری عالی پنهانده‌گان سازمان ملل متحد برای ایجاد راه‌حل‌های جامع برای بازگشت به کشور و پشتیبانی از پنهانده‌گان افغان همکاری کند.
- ایران همچنان باید از هرگونه تشویق یا اعزام و یا فعال‌سازی جنگ‌جویان فاطمیون در افغانستان خودداری کند. تاریخچه شبه‌نظامیان و جناح‌های مسلح مورد حمایت خارجی هم‌اکنون بسیار پر از تأثیرات منفی است. همانطور که عمل‌گرایان در تهران باید به خاطر بسپارند، اینها غالباً با اثرات مبنی بر لبریز شدن به کشورهای همسایه همراه بوده است.

درباره نویسندگان

چاپ © ۲۰۲۱ بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان

وبسایت: www.afghanistan.fes.de

اندریو واتکینز، محقق و تحلیلگر منازعات و چشم اندازهای صلح افغانستان و به شدت در جلوگیری از منازعات دخیل است. وی پیش از این در افغانستان برای سازمان ملل، نهاد های بشردوستانه، دولت ایالات متحده و به عنوان یک محقق مستقل کار کرده است.

داکتر تیمور شانان استاد الحاقی پالیسی عامه در دانشگاه امریکایی افغانستان است و پیش از این تحلیلگر ارشد گروه بحران بین المللی در افغانستان بوده است.

درباره عکس روی جلد:

بدون اجازه کتبی بنیاد فریدریش ایبرت هر گونه استفاده تجارتي از نشریات منتشر شده بنیاد فریدریش ایبرت، مجاز نیست.

نظریات ارائه شده در این نشریه، لزوماً بازتاب دهنده نظریات بنیاد فریدریش ایبرت نمی باشد.

صرافان افغان برای معامله با ارز خارجی در مارکیت صراف هرات جمع شده اند. ۴ اکتبر ۲۰۱۲.

تصویر: ریوترز / محمد شعیب